

# ایران

**امام باقر(ع):**

پشیمانی از گذشت، برتر و آسان تر از پشیمانی حاصل از کیفر دادن است.


**سخن روز**

الکافی: ۶/۱۰۸/۲

**نگاره**


«رب‌الماء» برای محبان سیدالشهدا

### فضای مجازی

#### حس و حال متفاوت میهمانان ویژه «نبرد رستم و سهراب»

از تصاویر ابرارال شده در فضای مجازی حضور نوید محمدرزاده و همسرش فرشته حسینی در اجرای اخیر نمایش «نبرد رستم و سهراب» است. این ویدئو مربوط به اجرای قطعه وطن است که در آن علی زندوکیلی می خواند: «وطن شکوه مادرانه منی / وطن تو آشک بی‌بهباه منی / وطن وطن وطن» و نوید محمدرزاده و فرشته حسینی به همراه یقیه تماشاگران به احترام وطن ایستاده این نمایش را تماشا می کنند. از دیگر میهمانان این نمایش در شب‌های اخیر همچنین محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است که به همراه فرزندی‌ش به تماشای «نبرد رستم و سهراب» نشستند.

وزیر فرهنگ پس از تماشای این نمایش بر ضرورت توسعه و تقویت هنر نمایش مبتنی بر داستان‌های کهن برگرفته از آثار ارزشمند ادبیات فارسی همچون شاهنامه تأکید کرد و گفت: «مردم ایران زمین عاشق ادبیات و میراث معنوی خود هستند و همواره برای حفظ آن به اشکال مختلف در قالب هنر تلاش کرده‌اند، آن هم شاهنامه با داستان‌های بسیار عمیق و آموزنده و تأثیرگذار مانند نبرد «رستم و سهراب» که همیشه در میان ایرانیان به گونه‌های مختلف روایت شده است. نمایش نبرد رستم و سهراب به کارگردانی حسینی پارسایی و با بازی امیر آقاویی، الناز شاکردوست، سینا مهرا، پردیس احمدیه، بانیاپال شومو و با حضور علی زندوکیلی، سیامک صفری، امیررضا دلاوری، امیر کاوه آهنین جان از ۱۰ مرداد ماه ۱۴۰۳ ساعت هشت ونیم شب در ورزشگاه تنیس باشگاه انقلاب روی صحنه است.

#### «بنکسی» با خلق یک اثر هنری تازه خبر ساز شد

بنکسی، هنرمند مشهور گرافیتی‌کار با انتشار تصویری در صفحه اینستاگرام خود، طبق روال همیشگی اصالت اثر هنری جدید خود را روی دیواری در لندن تأیید کرد. این هنرمند از جدیدترین اثر هنری خود رونمایی کرد که یک بز را درحالی که بالای یک ستون متصل به دیوار آستاده است و چند تکه سنگ نیز از زیر پای او به زمین می‌ریزند، نشان می‌دهد. این بزه سبک همیشگی «بنکسی» و این بار روی دیواری در جنوب غربی لندن خلق شده است و یک دوربین مدار بسته در نزدیکی همان دیوار نیز به سمت آن قرار گرفته است. توضیحی درباره معنای این اثر هنری در پست جدید «بنکسی» ارائه نشده و از این رو طرفدارانش این اثر هنری را فریبرز تعبیر کرده‌اند. بنکسی هنرمند گرافیتی‌کار اهل بریستول است که با نقاشی‌های دیواری و هنر گرافیتی اعتراضی خود، شهرت جهانی دارد، با این حال هنوز هویت اصلی او فاش نشده است. نقاشی‌های این هنرمند بیشتر به مسائل سیاسی و موضوع‌هایی مانند گرمای جهانی، جنگ، شنود غیرقانونی و شرایط سخت کاری پرداخته است. تانکون بارها نقاشی‌های این هنرمند از روی دیوار جدا و به قیمت صدها هزار پوند فروخته شده است.

#### اعتراض شناگر المپیک ۲۰۲۴ به میزبانی فرانسوی‌ها

این روزها انتشار تصویری از توماس چکان شناگر ایتالیایی و مدال آور طلای المپیک توجه کاربران بسیاری را به خود جلب کرده: عکس مذکور، چکان را در حالی نشان می‌دهد که کنار نیمکتی سیمانی خوابیده است! ظاهراً افزایش بی‌رویه گرمای هوا، فقط ما ایرانی‌ها را مستقیض نکرده و کریسناد اروپایی‌ها را که به لطف جغرافیای خود از شرایط آب‌وهوایی نسبتاً خنک تری برخوردارند هم گرفته! چکان که این روزها برای شرکت در المپیک پاریس در فرانسه به سرمی‌برد، پیش‌تر هم از وضعیت اسکان در دهکده المپیک گلایه کرده بود. حالا او اعتراضش را با خوابیدن روی چند تکه مقوا، آن هم در پارکی عمومی نشان داده است. انتشار این عکس که از سوی حسین علی‌رضا، قایقران سعودی انجام شده با واکنش‌های مختلفی از سوی کاربران و حتی ورزشکاران رویه‌رو شده است. برخی شرکت‌کنندگان در المپیک پاریس به دنبال انتشار گسترده این عکس در شبکه‌های اجتماعی از تپوهبه نامناسب هوا، هوای گرم و غذای بد فرانسوی‌ها در میزبانی از المپیک ۲۰۲۴ شکایت کرده‌اند. توماس چکان، شناگر ایتالیایی نه تنها بابت مهارت‌های ورزشی‌اش در عرصه شنا، بلکه به دلیل چهره و ظاهرآراسته‌اش نیز مورد توجه قرار گرفته و به یکی از چهره‌های محبوب این دوره المپیک تبدیل شده است.

#### تمجید خانم کارگردان از مختارنامه

سریال مختارنامه به کارگردانی داوود میرزاقری از معدود مجموعه‌های تلویزیونی است که تصویری از آن هم به استیکرهای شبکه‌های اجتماعی راه یافته است؛ جالب اینکه به رغم نظر مثبت کارشناسان و البته استقبال مخاطبان، صحبت از این مجموعه تلویزیونی به پایه ثابت شوخی‌های مردمی در فضای مجازی نیز تبدیل شده است. با این حال ازتیا موکویی، کارگردان سینما با انتشار تصویری از فریبرز عرب‌نیا که در این مجموعه در جایگاه شخصیت اصلی مختارنامه و در نقش مختار به ایفای نقش پرداخته بوده نوشته: «برای یک بازیگر در مسیر کار حرفه‌ای، ایفای نقشی مثل آنچه برای فریبرز عرب‌نیا در مختارنامه اتفاق افتاد یک شانس بزرگ و الحق که فریبرز بی‌نظیر بود. بخصوص در صحنه پایانی و مرگ تراژیک مختار. حیف که سینمای ما فعلاً از حضور و وجودش محروم است.» نکته جالب توجه کامنت‌هایی است که همچنان در فضای مجازی درباره این سریال میان کاربران می‌چرخد، از جمله فردی که نوشته: «خدا را شکر تلویزیون این مجموعه را دارد، وگرنه حتماً برای پرکردن ساعات‌های خالی دچار مشکل می‌شد.» فرد دیگری هم نوشته: «من خودم از طرفداران جدی این مجموعه هستم اما حداقل بذارید یکی دو سال فاصله بین آخرین پخش مختارنامه تا پخش جدیدش بيفته. شاید یکم برامون تازگی داشته باشه!»

• **صاحب امتیاز:**  
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:**  
احسان صالحی

• **سردبیر:**  
حسام‌الدین برومند

#### نقل قول

## صدای سعیدراد به نقش‌هایش می‌آمد

سرنوشت واقعاً عجیب است. روزی من در طبقه بالای همین ساختمان (سیف‌الله داد خانه سینما) فیلم «خداحافظ رفیق» را تدوین می‌کردم در حالی که سعید (راد) و امیر (نادری) هم کنارم بودند. سعید راد کسی بود که پایه ساخته شدن این فیلم را رقم زد. من او را از طریق برادرم می‌شناختم و بعدها همکاری ورفاقتی بین ما شکل گرفت. برادرم در آن زمان فیلمی ساخت با نام «فاتحین صحرا» (به عنوان تهیه‌کننده) که من از او خواستم نقشی به سعید بدهد و بعد از آن طرح «خداحافظ رفیق» را دادیم. وقتی امیر نادری او را دید گفت، «این خودشه» و پس از آن با ۲۰هزار تومان سرمایه سعید، فیلم را شروع کردیم. پدر سعید راد خلبانای بود که در زمان رضا شاه برای آموزش به خارج از کشور رفت و بعد برگشت، ولی بعدها با گروهی دیگر به دلیل مخالفت با شاه اعدام شد و ببینید زندگی به کجا می‌رسد که سال‌ها بعد سعید نقش رضا شاه را بازی کرد. این همان ساختار طبیعت و زندگی است که به نظر من در نوع خود غریب است. من در تعدادی فیلم با سعید کار کردم و رفاقت زیادی داشتیم. ما، هم یک انسان خوب را از دست دادیم و هم یک بازیگر خوب را. در نقش‌های بعد از انقلاب او یک ویژگی اش بیشتر به چشم آمد و آن هم صدای خاصش بود که به نقش‌هایی که با بازی می‌کرد می‌آمد.

صحنه‌های علیرضا زرین‌دست فیلمبردار با سابقه سینما در نشست «شب سعید راد»

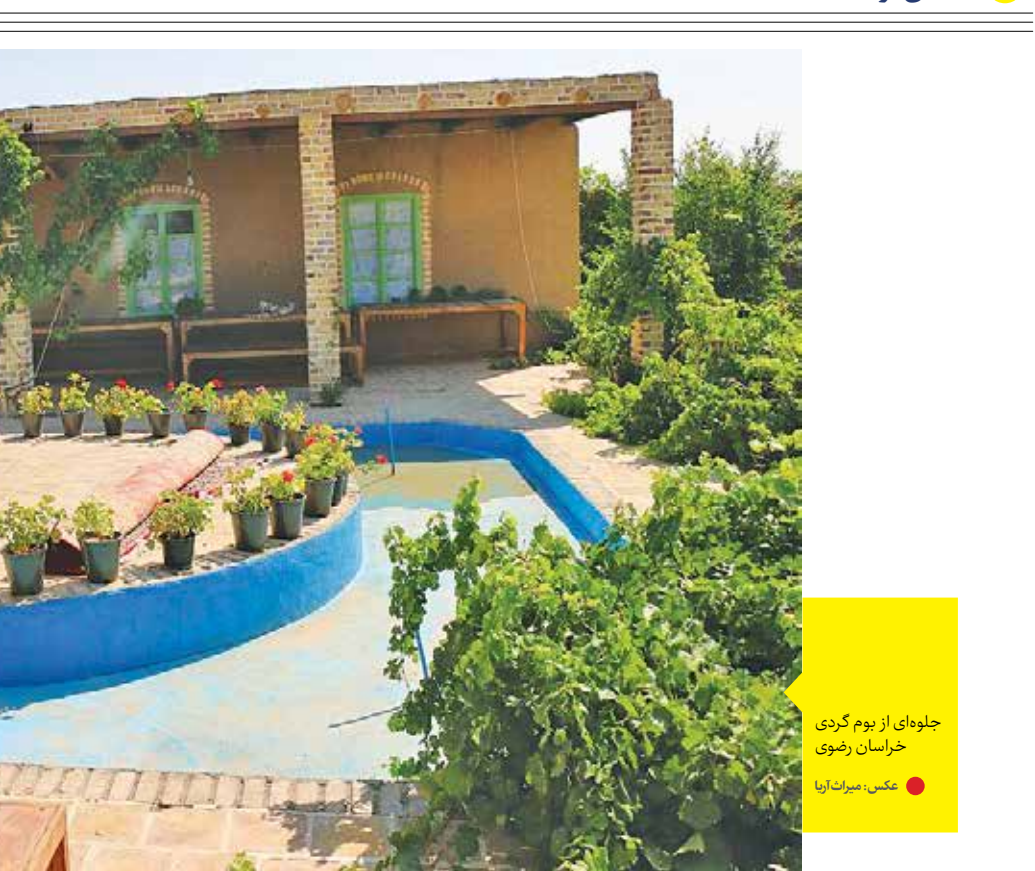
### یادداشت

## چرا موسیقی؟! (۵)

گفتمبر رسایی، خوش‌آهنگی، خوش‌ادایی و خوشایندی، دلایل جذباتی و دلنشین بودن صدا و گرم بودن آن است. تمام موارد فوق عوامل فیزیکی و ظاهری است. همه آنها به زیبایی ظاهر بازی می‌گردد. اگر آنها در طبیعت باشند، جذاب و دلنشین‌اند و اگر در موسیقی، خوشایند و مطبوع. اما نتیجه موارد فوق، همیشه ره به خیر نمی‌برد. خیر؟ خیر چیست و کدام است؟ خیر، همان است که آن را سعادت، ساحل، نجات، خوشبختی و رستگاری می‌نامند البته در فرهنگ‌های دینی؛ عاقبت بخیری، خوش عاقبتی، رضایت حق و طریق مستقیم و حق. موسیقی و این همه موضوع؟ آری. درهمه موارد همیتونز است. همه مسائل به خیر و شر بازی می‌گردد. مبنای خیر و شر هم تاریخ، انسان، زندگی و اخلاق است که فرهنگ را می‌سازند. تاریخ؛ مسیر فراز و نشیب زیست انسان در ازمنه گذشته تا اکنون، انسان؛ محور و مدار همه مسائل و موضوعات، زندگی؛ سیرانسان در بستر عمر و حیات و اخلاق؛ آداب و احکام زندگی انسانی است. همان که انسان را از مایقی موجودات متمایز می‌کند و او را در سطحی بالاتر از طبیعت و موجود قرار می‌دهد. برای حیوانات قتل و غارت و تجاوز و سرقت و جنایت و ستم، معنا ندارد. آنها با قتل، معاش می‌کنند. با غارت، صاحب می‌کنند. با تجاوز، به پیش می‌روند. با سرقت، ترقی می‌کنند. با جنایت، می‌مانند و با ستم، قوی می‌شوند. همه موارد فوق در زندگی جانوران، موجود و جاری است. هیچ‌کدام (اکثراً) بدون قتل، به غذا نمی‌رسند. حتی گیاهخواران. هیچ‌کدام بدون غارت، صاحب چیزی نمی‌شوند. بدون تجاوز، پیشرفت نمی‌کنند. بدون سرقت، بهره‌مند نمی‌شوند. بدون جنایت دوام نمی‌آورند و بدون ستم، برتری نمی‌جویند. همه موارد فوق، برای انسان و در زندگی انسانی است که حریم حساب می‌شود و ممنوع است.

برای حیوان، هیچ‌کدام ننگ و عار و خلاف نیست. اصلاً حیوان، بودنش با آنها تصور می‌شود و بدون آنها جهان حیوانات معنا و سبیری نمی‌شود. انسان هم در مسیر رشد تاریخی‌اش، آن محل را داشته ولی پشت سر گذاشته. اگر اکنون صهیونیسم برای بقای خود همه جنایات را به‌طور مضاعف مرتکب می‌شود، تکرار تجربه‌ای است که بشر در قرون اولیه داشته. اما چرا محکوم می‌شود؟ برای اینکه آنها را غلط و نادرست می‌دانند. بشر براساس قرن‌ها زیست و تجربه، باور کرده که زندگی انسان، عرصه چنان اعمالی نیست و زندگی انسانی باید به دور از آداب و آثار فوق باشد. زیرا هر مورد از آن موارد، انسان را از حریمش دور و به سطح حیوان تنزل می‌دهد. حال آنکه حیوانات در مجاورت انسان و تعالیم او، از منش و فرهنگ انسانی بهره‌مند می‌شوند و خوی طبیعی خود را از دست می‌دهند و به خوی انسانی و فرهنگی اغتلا می‌یابند. در انثایی چنین، چگونه می‌توان خوی حیوانی را در انسان شاهد بود و آن اعمال و اوصاف را در او نظاره کرد؟ چرا چنین اعمال و اوصافی برای انسان ملامت شد؟ و به سبب اخلاق، اخلاق که شرط زندگی صحیح و رضامتمندانه انسان‌ها در کنار هم است، عبرتی است که حاصل صدها سال زندگی حیوانی انسان است. انسان به

### عکس نوشت



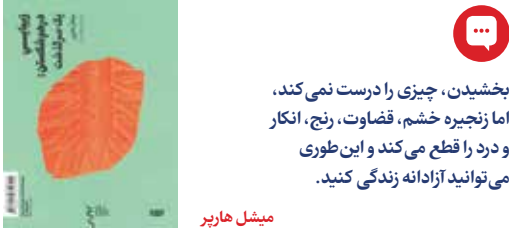
جلوهای از بوم کردی خراسان رضوی

● عکس: میرتاریا

- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پيامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۸۸۴۸۸۹۲۰۵



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



بخشیدن، چیزی را درست نمی‌کند، اما زنجیره خشم، قضاوت، رنج، انکار و درد را قطع می‌کند و این طوری می‌توانید آزاده‌انه زندگی کنید.

میشل هاربر

### تجسم



### هنر بازاری

معمولاً عبارت «هنر بازاری»، «نقاشی بازاری» و... معنای چندان مثبتی ندارد و از این اصطلاحات بیشتر برای تحقیر هنر و اشاره به عوام‌پسندی آثار هنری استفاده می‌شود. اما این تعبیر می‌تواند با توجه به وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روز، بار معنایی متفاوتی پیدا کند. بی‌تردید هنر بازاری در دوره‌ای که مخاطب و خریدار آثار هنری و صنایع‌دستی همان مشتری‌هایی هستند که در فضای فیزیکی بازارها رفت و آمد دارند، دلالت بر اتری دارد که هنرمند و صنعتگر هنری آن را به قصد جلب سلیقه عوام خلق و تولید کرده است. در این صورت قصد هنرمند برآورده کردن نیازهای زیبایی‌شناختی طبقه عمومی و اکثریتی با تمکن مالی است. به عبارت روشن‌تر، اثر با کیفیت و کمیته خلق یا تولید می‌شود که ظرافت بازار موجود در جامعه را تعیین می‌کند.

در دو دهه اخیر جامعه مخاطب آثار هنری بویژه در بخش «اقتصاد هنر» بنا به دلایل متنوعی تغییر شکل داده است. تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش هنر و بسط مفهوم «کالی هنری»، بعضی پول‌های بادآورده و به اصطلاح طبقه‌ای از تازه به دوران رسیده‌ها، انواعی از بیماری‌های اقتصادی، میل به تفاخر و انتساب به طبقات فرهنگی و... خریدارانی در بازار هنر شکل داده که به کلی با خریداران نسل گذشته متفاوت است. به‌طور طبیعی نیاز زیبایی‌شناختی هم در این بازار مشخصات تازه‌ای را برپایه و هنر و کالی هنری می‌شناسد. همچنین صنعتگران و هنرمندانی هم هستند که از این مشخصات اطلاع دارند و به شکل مدیریت‌شده با غریزی به سمت بهره‌برداری از این بازار هدایت می‌شوند.

بازار جدید، کالی جدید هم لازم دارد که تعریف این بازار جدید به عهده منتقدین و سرمایه‌گذاران این حوزه خواهد بود. دور از ذهن نیست که سلیاق و علایق مجموعه ارکان این بازار، از هنرمند تا خریدار و کلکسیونر و منتقد و... به وحدتی نوشته و نانوشته برسند. از این تعاریف باز هم عبارات «هنر بازاری»، «نقاشی بازاری» و... مصداق پیدا می‌کنند. اگرچه محصولات این دوره متفاوت از «هنر بازاری» سال‌های گذشته باشد. در هر یک از این دوره‌ها، آنچه را وجه مشترک برای استفاده از این اصطلاح می‌توان برشمرد، همان توجه آگاهانه و ناآگاهانه هنرمند و صنعتگر هنری برای جلب نظر مشتری است بویژه که این «مشتری» اغلب شامل معنای کلی «مخاطب اثر هنری» نمی‌شود و چنین روند آفرینشی معمولاً در مقابل اعتبارات محتوایی و فرمی و زیبایی‌شناسی هنری و مفهوم متعالی «هنر» قرار می‌گیرد. همچنین بخشی از تجربه‌های همسو یا مخالف با جریانات سیاسی و اجتماعی را هم باید تحت همین عنوان بررسی کرد. این وضعیت نه تنها در حراج‌ها و نگارخانه‌ها که ذاتاً مرتبط با بازار و اقتصاد هنر هستند بلکه به رویدادهای هنری مستقل از تجارت و حتی نظام آموزشی کشور هم سرایت کرده است. بنابراین شاید بهتر باشد هنرمندان و صنعتگرانی که خواسته یا ناخواسته تن به این ساختار اقتصادی در موضوع هنر داده‌اند در انتساب این معنای جدید از «هنر بازاری» در زبان منتقدان مستقل هنر و با پذیرش این واقعیت، روی ترش نکنند.

